

حرف درشت

عکس و مکث

● **بوریا عالمی:** امروز چند عکس را از خبرگزاری های فارس و ایسنا و مهر برداشتم و برای شما روش شرح نوشتیم تا دور هم شاد باشیم:

کشاورزی تخمه کار



بعد از تلاش مسئولان، الان سال‌هاست کشاورزی مملکت از بین رفته و به وضعیت تخمه‌های رسیده؛ یعنی الان کشت تخمه جزء معدود کشت‌هایی است که در کشور جواب می‌دهد. اصلا وضعیت طوری شده که اگر ببیند کشاورزی شما تخمه‌ای است، دولت‌ها از شما حمایت می‌کنند، در غیر این‌صورت یک مشت تخمه می‌دهند دستان و می‌گویند بشکنید.

مغز تخمه بدون دخالت دست



همان‌طور که می‌دانید، فصل برداشت تخمه آفتابگردان است. در عکس، روش مغزکردن تخمه آفتابگردان بدون دخالت دست و کاملا مکانیزه دیده می‌شود.

شیره‌کش‌خانه



به نظر ما دوجور شیره‌کش‌خانه داریم. یکی اینکه می‌نشینند و شیره می‌کشند تا خودشان را بسازند! یکی هم کشاورزانی که شیره انگور را می‌کشند تا اقتصاد مملکت را بسازند. در عکس، یکی از بهترین صحنه‌های شیره‌کشی را در یکی از شیره‌کش‌خانه‌های جهان می‌بینید. دم این کشاورزان گرم. اگر گذرزان این روزها به اراک، ساوه ... می‌افتد، حتما به روستاها سر بزنید و کیفور عطر و طعم انگور شوید.

پلیس به خبرگزاری فارس رفت



همان‌طور که در عکس مشاهده می‌کنید، فرمانده پلیس و چندتا پلیس دیگر با حضور در خبرگزاری فارس از این خبرگزاری دیدن کردند. خوشبختانه جای نگرانی نیست.

مدرک دانشگاهی مسئولان لو رفت



از دوره آقای احمدی‌نژاد معلوم شد تعدادی از دولتمردان مدارکشان را توی قوطاپ درست می‌کنند. قضیه به‌قدری زیاد بود که مجلس دید اگر بخواد با این موضوع برخورد کند، علاه هیئت دولت از نصاب می‌افتد! خوشبختانه برای آن مسئولانی که مدرک دانشگاهی و دکتری تقلبی یا پولی داشتند هیچ مشکلی پیش نیامد و آن عزیزان هم‌اینک هم وضعشان توب است. اما دیروز چند آدم بخت‌برگشته که مدرک دیپلم و سیکل جعل می‌کردند، دستگیر شدند تا حساب کار دستان باید. دقیقا شبیه مشکلی که برای گرفتن وام وجود دارد. اگر بخوای ۱۰ میلیون تومان وام بگیری، پدرت درمی‌آید، ولی اگر بخوای میلیارد‌ها تومان احتلاس کنی، می‌شوی کارآفرین برتر.

پیشخوان

● کتاب «نئیس‌جمهور پیشمرکه» به‌عنوان بخشی از خاطرات مام جلال طالبانی به چاپ دوم رسید. معد فیاض، روزنامه‌نگار عرب، که یک ماه در زمان ریاست‌جمهوری او بوده، از خلال گفت‌وگوها زندگی‌نامه مام جلال را نوشت و به‌صورت پاورقی در روزنامه الشرق‌الاوسط منتشر کرد و بعدا روزنامه‌نگار کرد، سامان سلیمانی به زبان فارسی ترجمه و به‌شکل پاورقی ابتدا در روزنامه «شرق» و با افزودن بخش زندگی‌نامه‌تصویری، به‌وسیله نشر دات در تهران منتشر شد.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

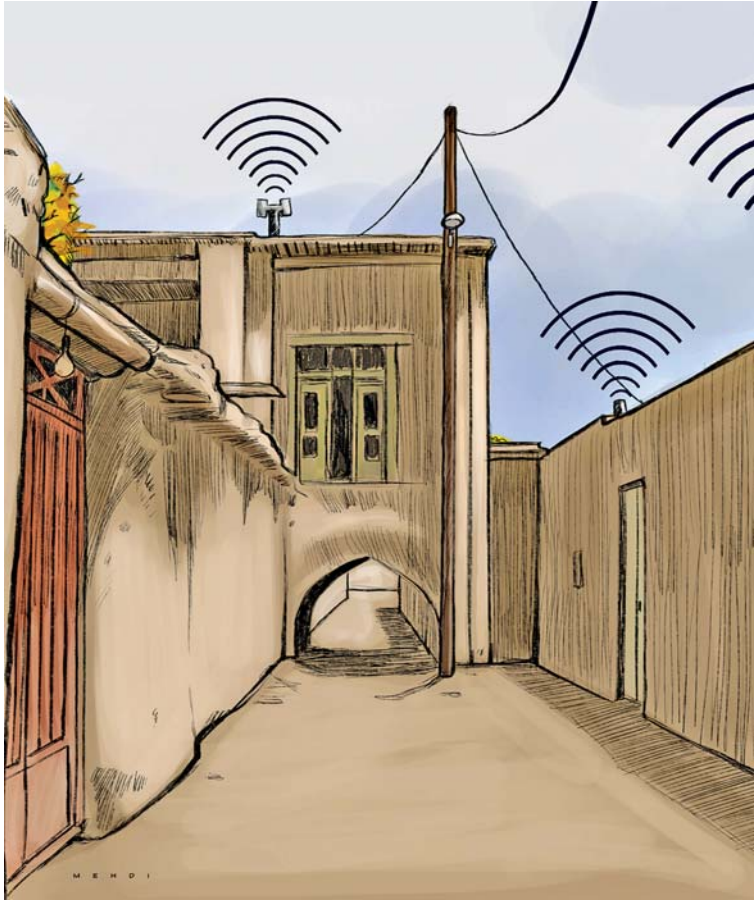
چهارشنبه ۱۹ مهر ۱۳۹۶ • ۲۰ محرم ۱۴۳۹ • ۱۱ اکتبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۲۹۸۳ • صفحه ۱۱ • اذان ظهر تهران ۱۱:۵۱ • اذان مغرب ۱۷:۵۲ • اذان صبح فردا ۴:۴۴ • طلوع آفتاب ۶:۰۷

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

● **مهدی عزیزی**



هاشور

شبکه‌های اجتماعی؛ پیام‌آورانی از آن‌سوی مرزها

● **مهزاد الیاسی**

بر اساس آخرین آمار، بیش از ۹ میلیون ایرانی در سال گذشته به خارج از کشور سفر کرده‌اند. این آمار در پنج‌ماهه نخست امسال در مقایسه با مدت‌زمان مشابه سال گذشته حدود ۲۱ درصد رشد داشته و این روندی است که رو به افزایش به نظر می‌رسد. چه دلایلی در این رشد دخیل بوده است؟ برخی به ارز مسافرتی مرحوم اشاره می‌کنند یا افزایش سفرهای زیارتی به عتبات عالیات؛ اما به جز عوامل اقتصادی، یکی از مؤثرترین دلایل تغییر الگوی مسافرتی ایرانی‌ها را باید در شبکه‌های اجتماعی جست‌وجو کرد.

اگر زمانی سفر به خارج از کشور، رفتاری تجملی و مختص به قشری خاص محسوب می‌شد، حالا می‌توان هر روز عکس و فیلم دوست، همکار، فامیل و آشنا از اقشار مختلف جامعه را وادی شبکه‌های اجتماعی دید که در گرجستان، ترکیه یا اروپا مشغول گردش و تفریحند. وقتی امکان سفر خارج از کشور برای آنها مهیا شده چرا برای ما نشود؟ مهم نیست اسم آن را چشم و هم‌چشمی بگذاریم یا الگوبرداری؛ حالا به جای هزینه برای دکوراسیون خانه یا پذیرایی از میهمانان، سفر، روزبه‌روز اولویت بالاتری در سبد مخارج خانواده متوسط شهری ایرانی می‌یابد.

به غیر از این، از طریق شبکه‌های اجتماعی، الگوی سفر ارزان‌قیمت در حال گسترش در میان جوانان ایرانی است و دیگر کمتر کسی بابت بیان هزینه اندک سفر خود، احساس شرم می‌کند. با وجود امکان استفاده از اپلیکیشن و سایت‌های مختلف، هر روز به تعداد کسانی که سفر با کوله‌پشتی و

اقامت در هاستل‌های ارزان‌قیمت را بر استفاده از تورهای مسافرتی ترجیح می‌دهند، افزوده می‌شود. تا همین یکی، دو سال پیش، این نوع سبک سفر از نظر فرهنگ ایرانی بسیار مخاطره‌آمیز به نظر می‌آمد، اما حالا به یمن انبوه پست‌های شبکه‌های اجتماعی می‌توان بعینه دید که لزوما قرار نیست به محض خروج از مرزهای ایران، چند قاتل زنجیره‌ای خارجی در کمین مسافران باشند و همین موضوع جسارت سفر به خارج از کشور را حتی در میان خانواده‌ها بیشتر کرده است.

جوانان ایرانی با استفاده از دانش زبان انگلیسی

یادداشت

کسی که شبیه کسی نیست

جدی باشد، او با شیطنت آن را به‌سخره می‌گیرد و هر وقت فیلمی یا جریانی سینمایی، حال‌وهوای غیرجدی داشته باشد، خسرو از آن به طرز حیرت‌آوری دفاع می‌کند. به‌همین‌دلیل در کارگاه ذهن او لولر و هاردی، خیلی جدی‌تر و هنرمندتر از جاپلین هستند. خلاصه اینکه او دوست دارد خلاف جریان غالب حرکت کند. اگر می‌خواهید با بخشی از دیدگاه‌های عجیب‌وغریب خسرو دهقان آشنا شوید، پیشنهاد می‌کنم کتاب نسیه و نقد را بخوانید. شیطنت او از همین عنوان کتاب هم پیداست، شکل درست این اصطلاح، نقد و نسیه است. اما خسرو آن را برعکس کرده تا باز هم خلاف جریان حرکت کرده باشد. آدم عجیب‌وغریبی است این آقای دهقان؛ زاده و بزرگ‌شده شیراز.



● **احمد طالبی‌نژاد**

بالاخره نمردیم و خسرو دهقان هم پس از نزدیک به ۵۰ سال نوشتن درباره سینما صاحب کتاب شد. یا بهتر بگوییم اهل حساب‌وکتاب شد. او که یکی از برجسته‌ترین حسابداران زنده کشور است، تمام عمر حرفه‌ای‌اش را صرف حساب‌برای دیگران کرد برای معیشت و حالا که بازنشسته شده فرصت کافی برای رسیدگی به ندای دل هم پیدا کرده، سرانجام اهل حساب‌وکتاب شد. کتاب «نسیه و نقد» که دربرگیرنده

پرنده آبی

جنگ هنوز به پایان نرسیده است



● **ساسان گلفر**

اگر جان لنون، نابغه موسیقی و فعال ضدجنگ، به ضرب گلوله دیوانه‌ای کشته نشده بود، احتمالا امروز ۷۷سالگی را به چشم می‌دید. مراسم مجازی تولد جان لنون (۱۹۸۰-۱۹۴۰) روز گذشته، ۱۰ اکتبر با پیام‌های چندین چهره برجسته موسیقی در شبکه‌های اجتماعی در حالی برگزار شد که در جهان واقعی، دنیا به‌هیچ‌وجه به آنچه او «تصور می‌کرد» نزدیک‌تر نشده؛ بلکه به‌شدت فاصله گرفته است. اکنون نه‌تنها شعار مشهور او «جنگ به پایان رسیده است! البته اگر بخوایید»، محقق نشده است؛ بلکه طبل‌های جنگ، آن‌هم به سردمداری رئیس جدید هیئت حاکمه آمریکا، در این‌سو و آن‌سوی جهان به گوش می‌رسد.

یسر پل مک‌کارتی، یار دیرین «جان لنون» از گروه بیتلز، با ارسال توییتی نوشت: «دستم را در سالگرد تولد جان لنون به سوی او دراز می‌کنم، با تقدیم عشق، پل» و تصویری از خود با جان لنون را در استودیو ضبط، ضمیمه آن کرد.

رینگو استار، دوست و همکار دیگر این دو، در توییتر خود نوشت: «می‌گویند امروز تولد تو است. (تقدیم به تو) صلح و عشق» و یک رشته ایموجی از جمله دستی با نماد صلح، یک ستاره، یک قلب و چند نت موسیقی همراه با آن فرستاد. رینگو استار نیز عکسی از خود و جان لنون که ظاهرا در سال ۱۹۶۷ گرفته شده است، به توییت خود ضمیمه کرده است. پیام یوکو اونو، همسر ژاِنی جان لنون، از ریج‌جایک ایسلند ارسال شد. این پیام تولد، هم خطاب به جان لنون بود و هم به پسرش، شان لنون که روز تولدش با پدر یکی است و روز گذشته ۴۲ ساله شد. یوکو اونو در توییت خود نوشت: «تولدتان مبارک، جان و شان! جان، تو هنوز با مایی و به ما خرد و شادی می‌دهی، دقیقا همان چیزهایی که امروز به‌شدت مورد نیاز است. عاشق همه شما هستم، یوکو».

جان لنون متولد لیورپول انگلستان، با پیدایش گروه چهارنفره بیتلز در لیورپول در سال ۱۹۶۰ (مرکب از لنون، مک‌کارتی، استار و جورج هرینس فقید) در مدتی کوتاه به شهرت جهانی رسید و با ازهم‌پاشیدن این گروه در سال ۱۹۷۰، حرفه ترانه‌سرایی، آهنگ‌سازی و خوانندگی را به شکل انفرادی با همراهی همسرش ادامه داد و همچنان موفق بود و از آن مهم‌تر یک فعال سیاسی ضدجنگ بود که در جنبش‌های اجتماعی آن زمان، به‌ویژه در مخالفت با جنگ ویتنام، صدای رسایی داشت. جان لنون پیش از کشته‌شدن با شلیک چهار گلوله مارک دیوید چینم در هشتم دسامبر ۱۹۸۰، ترانه‌هایی مانند «صور کن»، «فرصتی به صلح بده» و «قهرمان طبقه کارگر» را سرود و گزین‌گویی‌هایی با موضوع عشق، صلح، مذهب و جنگ از خود بر جای گذاشت. جمله‌هایی پرغیر مانند «روایی که به‌تنهایی در رؤیا می‌بینی، فقط یک رؤیاست. روایی که با دیگری در رؤیا می‌بینی، واقعیت است» و «زندگی آن چیزی است که وقتی مشغول ریختن نقشه‌های دیگری هستی، اتفاق می‌افتد».



پیشنهاد

دومین شماره «نیلوفرآبی» با شعار «محاوره‌هایی پیرامون فرهنگ و هنر امروز ایران» که سری جدیدش از ابتدای سال منتشر می‌شود، به چاپ رسید. در این شماره مطالبی از علی نصیریان، نادر مشایخی، الهام پناه‌نژاد، بهروز گرانپایه، علی‌اصغر سیدآبادی و... منتشر شده است. نشریه نیلوفر آبی با چاپ عکس قدیمی دوران جوانی صادق هدایت، روی جلد و تیتَر «طوفان نسیان در خانه صادق خان» روی ده‌گاه رفته است. گزارش اصلی مجله به بررسی وضعیت نگران‌کننده خانه پدری هدایت که از اماکن قاجاری تهران امروز است و گویا اکنون در اختیار بیمارستان امیراعلم قرار گرفته، می‌پردازد. همچنین در حاشیه‌آن، گزارشی تحت عنوان «کافه‌گردی در تهران با صادق خان هدایت» به چاپ رسیده که در آن نویسنده مطلب به پانوق‌های این نویسنده ایرانی در شهر تهران سرکی کشیده و وضعیت فعلی آنها را برای خوانندگان توصیف کرده است. پشت جلد این مجله هم مزین به یک طرح تصویری از چهره خدان داوود رسیدی، بازیگر فقیع سینما و تئاتر است که همراه با یادداشتی از علی نصیریان به تبیین فعالیت و خدمات آن مرحوم در تاریخ تئاتر معاصر کشورمان، پرداخته است.

انتشار سوگ‌نامه برای مدیا کاشیگر مترجم و منتقد ادبی که در تابستان گذشته درگذشت، یکی دیگر از بخش‌های اصلی این مجله است. بخشی که با یادداشت کوتاهی از کاوه میرعباسی آغاز می‌شود و با روایت کوتاهی از مانی واشیک، فرزند آن مرحوم به پایان می‌رسد.پری‌خوانی‌های ناکوک عنوان یکی دیگر از پرورنده‌های منتشرشده در مجله نیلوفرآبی است که در آن نویسنده‌گان و گزارشگران مجله کوشیده‌اند تا به ارزیابی بهره موسیقی ایرانی از اشعار فروغ فرخزاد، شاعر معاصر بپردازند. این مجموعه که به بهانه انتشار آلبوم موسیقی اخیر علیرضا قربانی که با عنوان «فروغ» به بازار آمده، گردآوری شده است، نگاه کاملی دارد به همه آثار موسیقایی تولیدشده‌ای که از شعر فروغ فرخزاد استفاده کرده‌اند. این مجله در ۳۲ صفحه به صاحب‌امتیازی مرکز فرهنگی و هنری سپیده تابان و به سردبیری مسعود باستانی منتشر می‌شود.

آکادمی

شفقت یا شقاوت



● **عبدالرحمن نجل‌رحیم**
● **عصب‌شناس و عصب‌پژوه**

بیش از ۴۰ سال باید باشد که در کار مغزپژوهی مشغول هستم. در این مدت متوجه تمایل شدید متفکران و پژوهشگران غربی، به‌ویژه مغزپژوهان به آیین بودایی شدم. به‌علاوه از همان زمان شاهد اقبال چشمگیر روشنفکران، هنرمندان و متفکران ایرانی به این نحله فکری نیز بودم که در اکثر آثار برجسته این دوره منعکس است.

در حوزه علمی، نحوه کارکرد مغز در آموختن مراقبه آیین بودایی برای دستیابی به نوعی آگاهی، مدنظر است. به‌ویژه اینکه این نوع آگاهی، به زبان حال معطوف است و خاطرات تلخ و شیرین گذشته و نگرانی از اتفاقات آینده را در محتوای خود دخالت نمی‌دهد. علاوه بر آن کاهن‌های بودایی مدعی هستند که در مراقبه‌های تعلیماتی خود، آثار مضر خشم، حسد، حب و بغض، حرص و طمع، نفرت و خشونت را از خود دور می‌کنند و با همه موضوعات جهان از طریق شفقت و مهربانی روبه‌رو می‌شوند. ادعای کاهن‌های بودایی این است که می‌توان با آموزش‌های لازم از طریق مراقبه و تربیت مغز، به همه ابعاد این بهشت بی‌مناقشه و لب‌ریز از صلح در عالم انسانی رسید.

پژوهشگران بسیاری که به دنبال کشف چندوچون شکل‌گیری انواع آگاهی در مغز بودند، کج‌جاو شدند تا دریابند که در مراقبه‌های عرفانی نزد بوداییان، مغز آنها چگونه کار می‌کند. یکی از رهبران مشهور بودایی که مدت‌هاست از سرزمین خود در دامنه‌کوه‌های هیمالیا در تبت چین به هند تبعید شده است و جایزه صلح نوبل را هم در دست دارد، یعنی عالی‌جناب «دالایی لاما» که اسشن به معنای اقیانوس بصیرت است، با قیای زعفرانی و سر تراشیده‌اش، فوق‌ستاره این میدان پژوهش، یعنی بررسی علمی درباره آگاهی والا، خالی از بغض و کینه و خشم و نفرت و خشونت است. حاصل کار مغزپژوهان شیفته تعلیمات عالیه عالی‌جناب «دالایی لاما»، تغییرات کارکردی مغز، پس از هزاران ساعت مراقبه آموزشی در نزد شاگردان او بوده است. حضور «دالایی لاما» در گردهمایی سالانه مغزپژوهان دنیا در آمریکا و سخنرانی او با اعتراض زیادی از مغزپژوهان به‌ویژه پژوهشگران با اصلیت چینی همراه بوده است که حضور «دالایی لاما» در میان اهالی علم را مغایر با اهداف‌شان می‌دانستند و آن را گوشه‌ای از مبارزه آیدئولوژیک و سیاسی بین آمریکا و چین قلمداد می‌کردند. این عده از مخالفان باور داشتند که «دالایی لاما»، رهبر آیینی است که برخلاف علم به جدایی ماده از روح اعتقاد دارد و در ضمن به حلول جسمانی باور دارد که اساس علمی ندارد. با همه این‌احوال، عالی‌جناب «دالایی لاما» همچنان اشتیاق خود را برای همکاری با جامعه مغزپژوهان حفظ کرده است و مبلغ ۱۵۰ هزار دلار از راه فروش کتابش در آمریکا را به مؤسسه تحقیقاتی در دانشگاه استنفورد هدیه کرده تا درباره فعالیت مغز هنگام شفقت و مهربانی، پژوهش شود. در عالم رسانه، اغلب اوقات دیده شده که او با مغزپژوهان به بحث و گفت‌وگوی تبلیغاتی می‌نشیند.

اخرا «تانیا سینگر»، پژوهشگر مؤسسه ماکس پلانک آلمان، آموزه‌های مراقبه آیین‌زده‌ده‌ای را برای آموزش‌های سه‌ماهه مهیا کرده که می‌تواند مدارهای شفقت و مهربانی مغز را تقویت کند. این پژوهشگر مدعی است که این روش آموزشی می‌تواند فصل جدیدی در علم اقتصاد جهانی باز کند، همان‌طوری که عده‌ای عقیده دارند برای جهانی‌شدن (گلوبالیزاسیون) می‌بایست انسان‌های با شفقت و مهربانی بیشتر تربیت کرد که برای گسترش افق دربرگیرنده موافقان در برابر مخالفان لازم است. اما اگر نگاهی به خارج از آزمایشگاه‌های علمی، به اتفاقات واقعی بیندازیم و نخواهیم برای تقویت شفقت انسان اجتماعی در لابراتوارهای بیرون از جامعه، نسخه آموزشی بیپیم، متوجه دنیای معکوس و وارونه‌ای می‌شویم که معادلات فکری ما را بر هم می‌زنند. اگر اتفاقات تاریخی گذشته را چون کمک بوداییان «ذن» در ژاپن به جنگجویان سامورایی، تشکیل‌شدن نیمی از ارتش شرکت‌کننده در جنگ جهانی دوم از بوداییان، حضور سه هزار بودایی در ارتش آمریکا، خشونت‌ورزی آنها در تایلند، شرکت آنها در انقلاب زعفرانی در برمه ۲۰۰۸، همه را کنار بگذاریم و این چنین توجیه کنیم که آنها افراد عادی بودایی بودند و تعلیمات خاص در معابد برای رسیدن به درجات راهبی و کاهنی را پیدا نکرده بودند، ولی امروز با واقعیات عریان‌تری روبه‌رو هستیم. با وجود اینکه دو سال پیش عالی‌جناب «آشین نیاسارا» در آکادمی بین‌المللی بودا از منطقه میلمار (برمه) و سریلانکا، از پرورش عده زیادی راهب و راهبه خبر داد که پیام رحم و شفقت بودایی را علیه طمع، خشم، تنفر و خصومت تبلیغ خواهند کرد، اما متأسفانه چنین نشد. زمان درازی نگذشت که در میدان آزمون اجتماعی، از میان همین کاهنان و راهبان جوان تربیت‌شده، عده‌ای تحت نام گروه ۹۶۹ سر بر آوردند که در میان آنها راهبی همچون «آشین ویراتو» است که خود را «بن‌لادن» برمه‌ای معرفی می‌کند، این بار این راهبان با پوشش قیای زعفرانی و سرهای تراشیده و تعلیم‌دیده در معابد مقدس هستند که علنا در میانمار (برمه) دست به نفرت‌پراکنی، خشونت و آدم‌کشی می‌زنند، به طوری که عالی‌جناب «دالایی لاما»، با همه ادعاهای سال‌های درازش در تربیت راهبان و کاهنان لب‌ریز از شفقت و مهربانی، با شرمساری تمام فقط می‌تواند اظهار تأسف خود را از وضعیت موجود ابراز کند. در برابر چنین تناقض آشکار و شکاف عظیم بین ادعا و عمل، شاید بتوان چنین گفت که آموزش تعلیمات شفقت‌پرور معابد در مغز راهبان، در صحنه آزمون واقعی اجتماعی آنچنان تاب و توان ایستادگی و مقاومت را نداشته و این باعث شده تا شقاوت‌های پنهانی از دل شفقت‌های مورد ادعای ظاهری بیرون بزند و معادله را برهم بریزد و دنیایی واژگونه بسازد. این تجربه مشخص در میدان کنش‌های اجتماعی نشان می‌دهد که تعلیمات مغزی در معابد، آزمایشگاه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها، برای پیروزی شفقت بر شقاوت در اجتماعات انسانی کافی نیست؛ اگر نظام‌های پایدار تقویت‌کننده و تشویق‌کننده‌ای در ساختار اجتماعی تعبیه نهادینه نشده باشد.